

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾

فولادوند: قاف سوگند به قرآن باشکوه

مکارم: ق - سوگند به قرآن مجید.

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾

فولادوند: [که آنان نگریدند] بلکه از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمد در شگفت شدند و کافران گفتند این [محمد و

حکایت معاد] چیزی عجیب است

مکارم: آنها تعجب کردند که پیامبری اندازگر از میان خودشان آمده، و کافران گفتند: این چیز عجیب است!

أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾

فولادوند: آیا چون مردیم و خاک شدیم [زنده می‌شویم] این بازگشتی بعید است

مکارم: آیا هنگامی که ما مردیم و خاک شدیم دو باره به زندگی باز می‌گردیم؟ این بازگشتی است بعید!

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ﴿٤﴾

فولادوند: قطعاً دانسته‌ایم که زمین [چه مقدار] از اجسادشان فرو می‌کاهد و پیش ما کتاب ضبطکننده‌ای است

مکارم: ولی ما می‌دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می‌کاهد، و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ﴿٥﴾

فولادوند: [نه] بلکه حقیقت را وقتی برایشان آمد دروغ خواندند و آنها در کاری سردرگم [مانده] اند

مکارم: آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند لذا پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند!

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾

فولادوند: مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی

نیست

مکارم: آیا آنها به آسمانی که بالای سرشان است نگاه نکردند که چگونه ما آنرا بنا کرده‌ایم؟ و چگونه به وسیله ستارگان زینت

بخشیده‌ایم؟ و هیچ شکاف و ناموزونی در آن نیست!

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾

فولادوند: و زمین را گسترديم و در آن لنگر[آسا کوه]ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دلانگیز رویانیدیم

مکارم: و زمین را گسترش دادیم، و در آن کوههای عظیمی افکندیم، و از هر نوع گیاه بهجتانگیز رویانیدیم.

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٨﴾

فولادوند: [تا] برای هر بنده توبه‌کاری بینش‌افزا و پندآموز باشد

مکارم: تا وسیله بینائی و بیداری برای هر بنده توبه کاری باشد.

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾

فولادوند: و از آسمان آبی پر برکت فرود آوردیم پس بدان [وسیله] باغها و دانه‌های دروکردنی رویانیدیم

مکارم: و از آسمان آبی پر برکت فرستادیم و به وسیله آن باغها و دانه‌هایی را که درو می‌کنند رویانیدیم.

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ﴿١٠﴾

فولادوند: و درختان تناور خرما که خوشه[های] روی هم چیده دارند

مکارم: و نخلهای بلند قامت که میوه‌های متراکم دارند.

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾

فولادوند: [اینها همه] برای روزی بندگان [من] است و با آن [آب] سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم رستاخیز [نیز] چنین است

مکارم: همه اینها به منظور بخشیدن روزی به بندگان است، و به وسیله باران زمین مرده را زنده کردیم، آری زنده شدن مردگان نیز

همین گونه است.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾

فولادوند: پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و ثمود

مکارم: پیش از آنها قوم نوح و اصحاب الرس (قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری بنام حنظله داشتند) و قوم ثمود

(پیامبران‌شان را) تکذیب کردند.

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ﴿١٣﴾

فولادوند: و عاد و فرعون و برادران لوط

مکارم: و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ﴿١٤﴾

فولادوند: و بیشه‌نشینان و قوم تبع به تکذیب پرداختند همگی فرستادگان [ما] را به دروغ گرفتند و [در نتیجه] تهدید [من] واجب

مکارم: و اصحاب الایکه (قوم شعیب) و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند) هر يك از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنها تحقق یافت.

أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

فولادوند: مگر از آفرینش نخستین [خود] به تنگ آمدیم [نه] بلکه آنها از خلق جدید در شبهه‌اند

مکارم: آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز باشیم) ولی آنها (با این همه دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾

فولادوند: و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم

مکارم: ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم!

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾

فولادوند: آنگاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند

مکارم: به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می‌دارند.

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

فولادوند: [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند]

مکارم: هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی‌کند مگر اینکه نزد آن فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت است.

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾

فولادوند: و سكرات مرگ به راستی در رسید این همان است که از آن می‌گریختی

مکارم: و سرانجام سكرات مرگ به حق فرا می‌رسد (و به انسان گفته می‌شود) این همان چیزی است که از آن می‌گریختی!

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾

فولادوند: و در صور دمیده شود این است روز تهدید [من]

مکارم: و در صور دمیده می‌شود، آن روز، روز تحقق وعده وحشتناک است.

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾

فولادوند: و هر کسی می‌آید [در حالی که] با او سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده‌ای است

مکارم: و هر انسانی وارد محشر می‌گردد در حالی که همراه او سوق دهنده و گواهی است.

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴿٢٢﴾

فولادوند: [به او می‌گویند] واقعا که از این [حال] سخت در غفلت بودی و [لی] ما پرده‌ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است

مکارم: [به او خطاب می‌شود] تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی، و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملا تیز بین است!

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾

فولادوند: و [فرشته] همنشین او می‌گوید این است آنچه پیش من آماده است [و ثبت کرده‌ام]

مکارم: فرشته همنشین او می‌گوید این نامه اعمال او است که نزد من حاضر و آماده است.

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾

فولادوند: [به آن دو فرشته خطاب می‌شود] هر کافر سرسختی را در جهنم فروافکنید

مکارم: (خداوند فرمان می‌دهد): در جهنم بیفکنید هر کافر متکبر و لجوج را.

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾

فولادوند: [هر] بازدارنده از خیری [هر] متجاوز شکاکی

مکارم: آن کسی که شدیداً مانع خیر است، متجاوز است، و در شك و تردید (حتی دیگران را به تردید می‌افکند).

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾

فولادوند: که با خداوند خدایی دیگر قرار داد [ای دو فرشته] او را در عذاب شدید فرو افکنید

مکارم: آن کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید!

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَكِن كَان فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾

فولادوند: [شیطان] همدمش می‌گوید پروردگار ما من او را به عصیان و انداشتم لیکن [خودش] در گمراهی دور و درازی بود

مکارم: و همنشینش از شیاطین می‌گوید: پروردگارا من او را به طغیان و انداشتم لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود.

قَالَ لَّا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾

فولادوند: [خدا] می‌فرماید در پیشگاه من با همدیگر مستیزید [که] از پیش به شما هشدار داده بودم

مکارم: خداوند می‌گوید: نزد من جدال و مخاصمه نکنید، من قبلا به شما اتمام حجت کرده‌ام.

مَا يُدِلُّ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾

فولادوند: پیش من حکم دگرگون نمی‌شود و من [نسبت] به بندگانم بیدادگر نیستم

مکارم: سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگانم ستم نخواهم کرد.

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾

فولادوند: آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم آیا پر شدی و می‌گویی آیا باز هم هست

مکارم: به خاطر بیاورید روزی را که به جهنم می‌گوئیم آیا پر شده‌ای؟ و او می‌گوید آیا افزون بر این هم وجود دارد؟!

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾

فولادوند: و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند بی‌آنکه دور باشد

مکارم: (در آن روز) بهشت به پرهیزگاران نزدیک می‌شود، و فاصله‌ای از آنها ندارد!

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾

فولادوند: [و به آنان گویند] این همان است که وعده یافته‌اید [و] برای هر توبه‌کار نگهبان [حدود خدا] خواهد بود

مکارم: این چیزی است که به شما وعده داده می‌شود و برای کسانی است که به سوی خدا باز می‌گردند، و پیمانها و احکام او

را حفظ می‌کنند.

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾

فولادوند: آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌کار [باز] آید

مکارم: آنکس که از خداوند رحمان در نهان بترسد، و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾

فولادوند: به سلامت [و شادکامی] در آن درآید [که] این روز جاودانگی است

مکارم: (به آنها می‌گویند) به سلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانی است.

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

فولادوند: هر چه بخواهند در آنجا دارند و پیش ما فرونتر [هم] هست

مکارم: هر چه بخواهند در آنجا برای آنها هست و نزد ما نعمتهای اضافی دیگری است (که به فکر هیچکس نمی‌رسد).

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و در شهرها پرسه زده بودند [اما

مکارم: چه بسیار اقوامی را که قبل از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنها قویتر بودند، و شهرها (و کشورها) را گشودند، آیا راه فراری وجود دارد؟

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾

فولادوند: قطعا در این [عقوبتها] برای هر صاحب دل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد عبرتی است
مکارم: در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش فرادهد و حضور یابد.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ﴿٣٨﴾

فولادوند: و در حقیقت آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم
مکارم: ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران) آفریدیم و هیچگونه رنج و تعبی به ما نرسید (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟).

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾

فولادوند: و بر آنچه می‌گویند صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی
مکارم: در برابر آنچه آنها می‌گویند شکبیا باش، و تسبیح و حمد پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب بجا آور.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾

فولادوند: و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی
مکارم: و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده‌ها!

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾

فولادوند: و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد به گوش باش
مکارم: گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می‌دهد.

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكِ يَوْمِ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

فولادوند: روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می‌شنوند آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است
مکارم: روزی که همگان صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند، آن روز روز خروج است.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾

فولادوند: ما مییم که خود زندگی می‌بخشیم و به مرگ می‌رسانیم و برگشت به سوی ماست

مکارم: مائیم که زنده می‌کنیم، و می‌میرانیم، و بازگشت تنها به سوی ما است.

يَوْمَ تَشْتَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكِ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

فولادوند: روزی که زمین به سرعت از [اجساد] آنان جدا و شکافته می‌شود این حشری است که بر ما آسان خواهد بود

مکارم: روزی که زمین از روی آنها شکافته می‌شود و به سرعت (از قبرها) خارج می‌گردند، و این جمع کردن برای ما آسان است.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

فولادوند: ما به آنچه می‌گویند داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می‌ترسد پند

ده

مکارم: ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم و تو مأمور به اجبار آنها نیستی، بنابراین به وسیله قرآن کسانی را که از عذاب من

می‌ترسند متذکر ساز.

